

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

فهرست

- ۱.....پیشگفتار
- ۲..... پرده سوم: قاسم شهید و انقلاب اسلامی
- ۳.....۱. حاج قاسم، الگوی نسل پیشرونده و پیشبرنده انقلاب اسلامی
- ۱۲.....۲. شکست نقشه کلان آمریکا؛ جهاد حاج قاسم
- ۱۸.....۳. اسناد بین‌المللی؛ مأمور مقابله با حرکت جریان مقاومت
- ۲۱.....۴. شهید سلیمانی در مسیر افق‌نمایی انقلاب اسلامی و مراحل آن
- ۵.....۵. توانمندی صدور و تحقق اهداف و آرمان‌های انقلاب اسلامی در جهان؛
- ۲۵..... کارویژه شهید سلیمانی
- ۶.....۶. غایت مدل‌های اجتماعی جریان توسعه‌گرا؛ تهی‌سازی جامعه از
- ۲۹..... انسان‌های در تراز شهید قاسم سلیمانی
- ۳۳..... موضوعات پیشنهادی برای مطالعه بیشتر :

پیشگفتار

بسم الله و السلام علی عبدالله الصالحین؛ سلام بر قاسم شهید

این نگاشت، وصفی است کوتاه و ناقص در رثای شهید حاج قاسم سلیمانی؛ در نسبت او با گام دوم؛ در نسبت او با انقلاب اسلامی؛ در نسبت او با دفاع مقدس؛ در نسبت او با نفوذ؛ در نسبت او با جریان توسعه گرا و غرب زده و در نسبت او با مقتدای خویش؛

نگاشت حاضر پرده سوم از سلسله نگاشت‌های شناخت حاج قاسم است که می‌تواند در ایده یابی منابع و هیئات، کوتاه‌نوشت‌ها و یادداشت‌ها، در رشته توثیق‌ها و عکس‌نوشت، در سناریونویسی رسانه‌ای و کلیپ‌سازی و پادکست و هر آنچه که قاسم را تبیین نماید، مورد استفاده قرار گیرد؛

قلیلی است به قامت بلند قاسم شهید ...

پرده سوم: قاسم شهید و انقلاب اسلامی

گلوگاه های فعلی انقلاب اسلامی در نسبت با شهادت شهید

یادداشت های الهام بخش

۱. حاج قاسم، الگوی نسل پیشرونده و پیشبرنده انقلاب اسلامی

شهادت هنر مردان خداست تا بر اساس آن در مسیری جدید برای یاری دین خدا قدم بگذارند. در حقیقت می‌توان گفت شهید آن جایی به مقام شهادت نایل می‌شود که دیگر با زنده بودنش امکان یاری دین خدا و نظام الله را ندارد و این بار می‌خواهد با شهادتش دین خدا را یاری نماید.

در این بین شهادت افرادی همچون حاج قاسم سلیمانی در عصر جدید انقلاب اسلامی باید مورد بررسی قرار بگیرد و در کنار تمامی درس‌های ارزنده از شهادت سردار سرافراز اسلام، به جایگاه او در جهت حرکت انقلاب اسلامی پرداخت و این مورد را تبیین نمود که او چگونه به این مقام اعلی دست یافته است.

برای بررسی این موضوع باید به مبنای حرکت قاسم سلیمانی پرداخت و این مبنا چیزی نیست، جز انقلاب اسلامی و جهت حرکت آن. هنگامی که به دنبال فهم انقلاب اسلامی و جهت حرکت آن بر اساس بیانات امامین انقلاب اسلامی می‌پردازیم، موضوعات متعدد و قابل توجهی را مشاهده می‌نماییم. این موضوعات در دو دسته اصلی و فرعی قرار می‌گیرند.

یکی از موضوعات اصلی بر اساس بیانات امامین انقلاب اسلامی موضوع «پیشروندگی و پیشبرندگی» ذاتی انقلاب اسلامی است.

رهبر معظم انقلاب اسلامی حضرت امام خامنه ای پیرامون این موضوع اینگونه بیان می‌دارند که:

انقلاب در ذات خود یک حرکت پیشرونده است، آن هم پیشرفت پرشتاب. به کجا؟ به سمت هدف‌های ترسیم شده. هدف‌ها عوض نمی‌شوند. این اصول و ارزش‌هایی که بر روی آن بایستی ایستادگی کرد و برای آن جان داد، اصول و ارزش‌هایی هستند که در اهداف، مشخص شده‌اند. هدف نهائی، تعالی و تکامل و قرب الهی است. هدف پائین‌تر از آن، انسان‌سازی است؛ هدف پائین‌تر از آن، ایجاد جامعه‌ی اسلامی است با همه‌ی مشخصات و آثار، که استقرار عدالت در آن باشد، توحید باشد، معنویت باشد. این‌ها اهداف هستند. این اهداف عوض‌شدنی نیستند؛ یعنی ما نمی‌توانیم بیائیم مایه بگذاریم تا از هدف کم کنیم. بگوئیم خیلی خوب، یک روز می‌خواستیم عدالت برقرار کنیم، حالا می‌گوئیم عدالت که نمیشود، یک نیمه‌عدالتی برقرار کنیم! نه، عدالت. این، هدف است. توحید، استقرار شریعت اسلامی به طور کامل، این‌ها اهداف است، این‌ها تغییرپذیر نیست. لیکن در جهت حرکت به سمت این اهداف، سرعت‌ها قابل کم و زیاد شدن است، شیوه‌ها قابل تغییر یافتن است، تدابیر ممکن است جورواجور باشد. در این جهت، انقلاب پیشرونده و پیش‌برنده است.»^۱

۱. دیدار رهبر انقلاب با فرماندهان سپاه - ۱۳/۰۴/۱۳۹۰

بر اساس این بیان می‌توان گفت انقلاب اسلامی دارای ویژگی پیشروندگی و پیشبرندگی ذاتی است و همانطور که رهبر انقلاب می‌فرمایند، وظیفه سپاه پاسداران انقلاب اسلامی هم «حفظ حالت پیشروندگی و پیشبرندگی انقلاب اسلامی است».

هنگامی که دقیق‌تر به بیانات رهبر معظم انقلاب توجه می‌نماییم، متوجه می‌شویم که ایشان موضوع پیشروندگی و پیشبرندگی را لازم و ملزوم یکدیگر دانسته و معتقد هستند که اگر از حرکت پیشرونده که به معنای ساخت درونی است غفلت شود، حرکت پیشبرنده اتفاق نمی‌افتد. لازمه پیشبرندگی در انقلاب اسلامی پیشروندگی است که ایشان پیرامون این موضوع می‌فرمایند:

دو حرکت در سپاه باید انجام بگیرد: یک حرکت، حرکت درونی سپاه است؛ در درون خود، یعنی خود را تکامل ببخشد. یک حرکت، حرکت به معنای یک جزء پیش‌برنده‌ی مجموعه‌ی کل نظام و انقلاب است، یعنی تأثیرگذاری در بیرون. این دو تا حرکت به موازات هم باید پیش برود. اگر ما از آن حرکت اول غافل بودیم، در درون مجموعه‌ی سپاه و خانواده‌ی سپاه آن حرکت پیشرونده و ترقی‌بخش و تعالی‌بخش را انجام ندادیم، حرکت دوم، یعنی تأثیر سپاه در پیشبرد مجموعه‌ی انقلاب، ناکام خواهد ماند. دست و پائی هم اگر بزند، دست و پای غلطی خواهد بود؛ چون:

ذات نایافته از هستی بخش

کی تواند که شود هستی بخش"

بر اساس بیانات اینگونه ایشان می توان نتیجه گرفت که حرکت درونی که همان حرکت پیشرونده است، لازمه حرکت بیرونی یعنی همان حرکت پیشبرنده است و اگر سپاه از حرکت درونی خود غافل شود نمی تواند حرکت بیرونی و نقش پیشبرندگی خود را ایفا نماید تا آنجا که ایشان در ادامه بیانات خود به تشریح بیشتر حرکت درونی پرداخته و آن را دارای دو بعد معنوی و مادی می دانند وقتی که می فرمایند:

"این حرکت درونی یک بعد مادی و یک بعد معنوی دارد. بعد معنوی همین پرداختن به ارزش‌ها به معنای حقیقی کلمه، یعنی مشخص کردن شاخص‌های ارزشی پاسداری و عرضه کردن خود و دیگران بر این شاخص‌ها به قصد پیشرفت، به قصد سیوررت صحیح و کامل به سمت آن هدف‌ها است. این بعد معنوی است، بعد مادی هم همین کارهای خوبی است که در سپاه دارد انجام می‌گیرد؛ بعد تشکیلات، بعد علمی و تحقیقاتی، بعد ساخت‌وساز و تولید، بعد آموزش‌های نظامی و نظامی‌گری و از این قبیل. این‌ها همه باید در کنار هم انجام بگیرد. یک مجموعه‌ی زنده‌ی پرنشاط همیشه‌جوان که فرسودگی و پیری در آن راه ندارد، آن‌وقت از سپاه به وجود خواهد آمد که خوشبختانه امروز زمینه‌هایش آماده است، زیرساخت‌هایش آماده است، تجربیاتش موجود است، انگیزه‌هایش بحمدالله هست. این می‌شود حرکت درونی."

همچنین ایشان پس از تبیین حرکت درونی و ابعاد آن که در حقیقت تبیین موضوع پیشروندگی است، نحوه پیشبرندگی سپاه را به گونه‌ای جالب مطرح می‌کنند آنجا که می‌فرمایند:

" بعد نوبت به تأثیر این حرکت در حرکت مجموعه‌ی انقلاب می‌رسد. این هم به خودی خود حاصل خواهد شد. وقتی یک مجموعه‌ی زنده، پرنشاط، باطراوت، پیشرونده، بشدت پایبند به مبانی و اصول و ارزش‌ها در نظام وجود دارد و دارد حرکت می‌کند و زنده است و همه جا را می‌بیند و آگاهی دارد و بصیرت دارد و تأثیر می‌گذارد، این قهراً در پیشبرد مجموعه اثر تعیین‌کننده خواهد داشت - البته این مخصوص سپاه هم نیست؛ من این حرف را عیناً برای حوزه‌های علمیه هم می‌گویم، برای نهادهای دولتی هم می‌گویم، منتها اندازه‌ها و وزن این‌ها با هم یکسان نیست؛ هر کدام جایگاهی دارند، وزنی دارند. حالا فعلاً درباره‌ی سپاه صحبت می‌کنیم - و ما به این حرکت سازنده و پیشرونده و متکامل احتیاج مبرم داریم. یعنی اسلام، امروز نیازمند به این حرکت است "

از مجموع این بیانات بر می‌آید که سپاه پاسداران انقلاب اسلامی نهاد پیشرونده و پیشبرنده انقلاب اسلامی است و پاسداران عناصر پیشرونده و پیشبرنده انقلاب اسلامی هستند و باید مجدداً بر اساس بیانات رهبر معظم انقلاب بیان کرد که دشمن نمی‌خواهد انقلاب اسلامی حرکت ذاتی پیشرونده و پیشبرنده خود را انجام دهد؛ آنجا که می‌فرمایند:

"حرکت نظام جمهوری اسلامی اثر خودش را در دنیا بخشیده است، تأثیرات عمیقی گذاشته است، قدرتهای استکباری و شیطانی را تضعیف کرده است، راه‌های تازه‌ای در مقابل ملت‌ها باز کرده است. یک فصل تازه‌ای در دنیا شروع شده است، یعنی هرچه انسان نگاه می‌کند، دیگر نظیری برای آن نیست. ... یعنی واقعاً تاریخ منطقه و به تبع آن تاریخ دنیا ورق خورده است؛ یک فصل جدیدی آغاز شده. ما اینجا چه کاره‌ایم؟ من هیچ نمی‌خواهم ادعا کنم و بگویم انقلاب اسلامی همه کاره بود - حالا بعضی هم حساسند از این که گفته بشود منشأ این انقلاب‌ها، انقلاب اسلامی است - نه، اصلاً چنین ادعائی هم نمی‌کنیم، لازم هم نیست چنین ادعائی بکنیم؛ اما مسئله این است که امروز همان حرکتی که ما ملت ایران سی سال قبل، سی و دو سال قبل شروع کردیم، عیناً همان حرکت را با یک تفاوت‌های منطقه‌ای و بومی و جغرافیائی و تاریخی، در دنیای اسلام در چندین کشور داریم مشاهده می‌کنیم. و من عرض کردم موج بعدی این کار در مناطق خیلی دوردست‌تر هم وجود دارد و چنین چیزی پیش خواهد آمد، که این برای ما تشویق‌آمیز است، این برای ما مبشر است، مزده‌بخش است؛ نشان می‌دهد که ما امیدمان به آینده باید بیشتر باشد. البته دشمن با همه‌ی توان روی همین نقطه دارد کار میکند. نمی‌خواهد این الگو جلوی چشم ملت‌های مسلمان گرفته بشود، بگویند ببینید ایران به کجا رسید. اما چه بخواهند، چه نخواهند؛ پسندند، یا نپسندند، این اتفاق افتاده است."

طبق بیانات رهبری عزیز دشمن با الگو شدن انقلاب اسلامی که توانسته با ساخت درونی خود حرکت پیشرونده‌ای ایجاد نماید و بر اساس اصل پیشروندگی، پیشبرندگی خود را نیز در سطوح مختلف بین‌المللی رقم

بزند، مشکل اساسی دارد و این موضوع را خط قرمز خود می داند و هنگامی که فردی خود ساخته که توانسته اصل پیشروندگی را رقم بزند و بر اساس این پیشروندگی، موجبات پیشبرندگی انقلاب اسلامی را در منطقه بر اساس نظریه مقاومت ایجاد نماید، در مواجهه با او قطعاً راهی جز حذف او و شهادتش پیدا نمی کند.

حال سؤال اساسی این است که «حاج قاسم سلیمانی» چگونه توانسته عنصری «پیشرونده و پیشبرنده» در انقلاب اسلامی بشود و با «پیشروندگی و پیشبرندگی» خود افتخارها بیافریند و در صدر شهدای مقاومت بدرخشد؟

برای پاسخ به این سؤال باید به تبیین موضوع پیشروندگی و پیشبرندگی از منظر رهبر انقلاب پردازیم. همانطور که بیان شد ایشان موضوع «پیشروندگی» را مقدم بر «پیشبرندگی» دانسته و اگر مجموع بیانات ۲۸ گانه ایشان را از دهه ۷۰ تا ۹۰ مورد بررسی قرار دهیم متوجه می شویم که ایشان در یک نظام مفاهیم ۱۲ گانه از «مبنای حرکت پیشرونده» تا «نسل پیشرونده» را مورد بحث قرار داده اند.

یکی از مفاهیم اصلی در شبکه مفاهیم «پیشروندگی» مؤلفه «مصادیق پیشروندگی» است. رهبر معظم انقلاب مصادیق پیشروندگی را «امام» و

«شهادا» معرفی کرده و در بیانی اینگونه از خداوند متعال مسئلت می نمایند که:

«... پروردگارا! ارواح مطهره‌ی شهدای عزیزمان و روح مطهر امام (رضوان الله علیه) را با اولیائشان محشور بفرما؛ ما را در راه آن‌ها رونده و پیش‌رونده قرار بده؛ قلب مقدس ولیعصر را از ما راضی و خشنود بگردان...»^۲

این بیان رهبر انقلاب نشان از آن است که حرکت بر اساس مکتب امام و شهدای این مکتب می‌تواند عناصر پیشرونده را تربیت نماید.

حاج قاسم سلیمانی که از خرمشهرهای دیروز تا خرمشهرهای امروز را دیده است و در زیست شهادت گونه خود هموار غبطه کاظمی‌ها و باقری‌ها را می‌خورده است می‌تواند تبدیل به عنصری پیشرونده و پیشبرنده برای انقلاب اسلامی شود و موجبات حفظ حالت پیشروندگی و پیشبرندگی انقلاب اسلامی را رقم بزند.

حاج قاسم همان کسی است که حسن باقری را درک کرده و درباره او می‌گوید: "رشد دهنده همه ما حسن باقری بود. او بهشتی جنگ بود. او باعث شد در جبهه بمانم".

او زیست حسن باقری و مهدی باکری را که «معجزه انقلاب» هستند را دیده است و بارها با مسائل دوران طلایی ۸ سال دفاع مقدس روبرو شده است تا بتواند در انتهای عملیات رمضان ۵ پیشنهاد جنگیدن در هور را

۱. بیانات در دیدار کارگزاران نظام - ۱۳۸۶/۰۶/۳۱

مطرح نمایند و در والفجر ۸ همچون ستاره‌ای در شب‌های اروند بدرخشد. او گذشته با برکت دفاع مقدس را به خوبی درک کرده است و آن را به درستی شناخته است تا توانسته گام‌های استوار را در دوران بعد از دفاع مقدس بردارد، چرا که رهبرش فرمود در بیانیه گام دوم فرمود:

برای برداشتن گام‌های استوار در آینده باید گذشته را به درستی شناخت. اگر بخواهم حاج قاسم سلیمانی و علت شهادتش را در خلاصه بیان کنم این گونه باید بنویسم:

«حاج قاسم سلیمانی، عنصر پیشرونده و پیشبرنده انقلاب اسلامی است، دشمن با همین پیشروندگی و پیشبرندگی او مشکل دارند و از این کارهای او خسته شده است و چون راهی برای مقابله با او نمی‌یابد، عملیات ترور و حذف او را رقم می‌زند، زهی خیال باطل، چرا که همانطور که قاسم سلیمانی از خرمشهرهای دیروز تا خرمشهر امروز، بر اساس مصادیق پیشروندگی یعنی «امام و شهدا» می‌زیسته است، ما نیز او را الگویی برای خود قرار داده‌ایم تا با زیستی شهداگونه بر اساس مکتب امام، رسالت خود را همچنان «حفظ حالت پیشروندگی و پیشبرندگی» انقلاب اسلامی قرار دهیم و لذا باید بگوییم: قاسم زنده است... همانطور که حسن باقری زنده است... و این جمله را بر سر در گام دوم انقلاب اسلامی منقش نماییم:

حاج قاسم سلیمانی؛ الگوی نسل پیشرونده و پیشبرنده انقلاب اسلامی

۲. شکست نقشه کلان آمریکا؛ جهاد حاج قاسم

(برهم زدن نقشه آمریکا جهت ساخت دولت و ملت جدید در منطقه؛ هدف اصلی شهید قاسم سلیمانی)

جهانی شدن آرمان‌ها و مفاهیم آمریکایی؛ رؤیا و دستورکار اصلی نظام استکبار پس از جنگ سرد تحقق این امر در همه جوامع دنیا بود. در پیاده‌سازی همین هدف بود که آمریکا به دنبال راهبرد کلان خود خاورمیانه جدید را ترسیم می‌کرد که دولت‌های آن براساس الگو و مدل‌های تدوین شده بین‌المللی کشور خود را اداره کنند و نخبگان و عموم ملت با باور به ارزش‌های غربی، سبک زندگی آمریکایی را برگزینند. امام خامنه‌ای (مدظله) در این باره می‌فرماید: «آمریکا یک نقشه‌ای برای این منطقه‌ی غرب آسیا که خودشان به آن می‌گویند خاورمیانه، داشته‌اند... که بر اساس آن یک مدّتی اسم «خاورمیانه‌ی جدید» را آوردند، یک مدّتی اسم «خاورمیانه‌ی بزرگ» را آوردند؛ یک نقشه‌ای برای اینجا داشتند. محور اصلی این نقشه و قلب این نقشه عبارت بود از سوریه، لبنان، عراق؛ این سه کشور، سه محور و سه مرکزی بودند که این نقشه باید عمدتاً آنجاها پیاده بشود؛ چه جوری پیاده بشود؟ دولت‌هایی در این سه

کشور بر سر کار بیایند که تسلیم مطلق و نوکر آمریکا باشند، هرچه آمریکا می‌خواهد اطاعت کنند و برای او عمل بکنند. نتیجه چه خواهد شد؟ نتیجه این است که تمام این منطقه می‌شود پانداژ رژیم صهیونیستی و در این منطقه همان از نیل تا فراتی که آن‌ها گفته بودند به یک شکلی تأمین خواهد شد، ولو نه به شکل سیاست ظاهری، به شکل سلطه و نفوذ و تسلط معنوی و واقعی.»

به عبارت دیگر نقشه اصلی آمریکا؛ ساخت دولت و ملت جدید براساس ارزش‌های غربی در منطقه بود. قاسم سلیمانی؛ شخصیتی که به اذعان غربی‌ها توانست نقشه و راهبرد کلان آمریکایی را در منطقه به هم بریزد. بی‌شک حذف سردار بزرگ ایران برای نظام استکبار جهانی، ترور یک شخصیت مهم در مقامات ایرانی نبوده و انجام این اتفاق در ناجوانمردانه‌ترین حالت خود در چنین شرایط و مقطع زمانی دارای ابعادی پنهان و عمیق می‌باشد.

نقشه و برنامه آمریکایی‌ها دقیقا چه بوده که شکست استراتژیک آن در منطقه توسط انقلاب اسلامی با میدان‌داری شهید قاسم سلیمانی بسیار سنگین آمد.

اسناد بین‌المللی، کلیدواژه و دستورکار اصلی نقشه کلان آمریکا جهت ساخت دولت و ملت جدید در کشورهای مختلف از جمله منطقه غرب آسیا می‌باشد.

این اسناد در همه ابعاد اجتماعی در یک کشور دارای اهداف و برنامه بوده و براساس مفاهیم و شاخص‌های توسعه غرب تدوین شده‌اند. هدف اصلی این اسناد قرارگیری در برنامه‌ریزی یک کشور و اثرات همه‌جانبه بر سبک زندگی افراد یک جامعه است.

مهم‌ترین و اولین سند بین‌المللی که به‌عنوان مادر سند و چتر اصلی همه اسناد بین‌المللی است، دستور کار ۲۰۳۰ برای توسعه پایدار موسوم به (SDGs) است. مفاهیم اصلی، آرمان‌ها و اهداف کلان توسعه پایدار به‌عنوان افق جدید جهان در قالب شعار «دگرگون‌سازی جهان» در این سند درج شده است ذکر این موضوع حائز اهمیت است که فصل مشترک همه اسناد

بین‌المللی به‌عنوان دستورکار فرایندهای حاکمیت در ابعاد گوناگون و به فراخور وضعیت هر کشور، سند توسعه پایدار است. دومین سند به لحاظ اهمیت و پس از سند توسعه پایدار، سند آموزش ۲۰۳۰ (Education ۲۰۳۰) است. فعالیت محوری این سند تعریف مفاهیم اصلی سبک زندگی و چگونگی آموزش آن‌ها به جامعه براساس اصول توسعه غرب است. سومین سند، «سند رفع فقر و توانمندسازی» نام دارد. این سند تمامی مفاهیم اصلی مربوط به فقر و توانمندسازی فقرا را از مبانی نظری و مفاهیم اولیه تا الزامات ساختاری و فرهنگی و درنهایت چگونگی اجرا و بازخوردگیری، تشریح نموده است. سند چهارم با نام «شاخص‌های توسعه پایدار» به معیاربندی فعالیت‌های دولت‌ها در جهت رسیدن به اهداف توسعه پایدار می‌پردازد. این سند هویت هر کشور را در مسیر تحقق اهداف توسعه پایدار بررسی نموده و به‌صورت مستمر با رصد فعالیت‌های کشورها، نظارت بر تحقق اهداف توسعه پایدار را نیز بر عهده دارد. اسناد راهبردی دیگر در حوزه‌های مبارزه با فساد، تغییر اقلیم و محیط زیست، مدیریت منابع طبیعی، ارتباطات و فناوری، صنعت، غذا و کشاوری، بهداشت و

مدیریت شهری نیز وجود دارد که همه این‌ها از همه‌جانبه بودن نقشه کلان آمریکا در ایجاد دولت‌های جدید و مطیع خود در منطقه پرده بر می‌دارد.

طبیعی است که عصبانیت نظام استکبار از اقدامات و اثرگذاری شهید والا مقام سردار سپهد قاسم سلیمانی در برهم زدن و به شکست رساندن چنین نقشه‌ای که سال‌های زیادی صرف تهیه آن کردند، بسیار بالا باشد. جهاد اصلی حاج قاسم سلیمانی بی‌شک به پایین کشیدن تمام نقشه جدید آمریکا در دنیا، شکست هیمنه نظام استکبار و اثبات ضعف و گسست درونی آن بوده و به جهانیان تصویر جدیدی از کارآمدی و پیشرفت مؤثر برای یک جامعه براساس اهداف و آرمان‌های اسلام ناب محمدی را ترسیم نمود. همانطور که امام خامنه‌ای در این باره فرمود: « واقعیت با آنچه اینها می‌خواستند چقدر فاصله دارد! ... درست نقطه‌ی مقابل آنچه آمریکا می‌خواسته تحقق پیدا کرده. وقتی آمریکایی‌ها نگاه می‌کنند، ایران را در این زمینه مؤثر و مقصر می‌دانند لذا عصبانی‌اند... مسئله این است... آن عکس‌العملی که آن‌ها دارند نشان می‌دهند، نشانه‌ی ضعف است، نشانه‌ی عقب‌ماندگی آن‌ها است، و

نشانه‌ی عصبانیت ناشی از شکست خوردگی آن‌ها است. بینی‌شان به خاک مالیده شده؛ لذا عصبانی‌اند.»^۳

«دولت مستکبر، غیرمنطقی و جنایتکار آمریکا که خود را قدرتی بلامنزاع می‌داندست در این رویارویی استراتژیک با جمهوری اسلامی، شکستی همه‌جانبه و تاریخی متحمل شد: «این همان چیزی است که انقلاب می‌خواست. خواسته‌ی انقلاب تحقق پیدا کرد، خواسته‌ی آمریکا و همراهان آمریکا تحقق پیدا نکرد.»^۴

باتوجه به این نکات می‌توان از ماجرای شهادت حاج قاسم سلیمانی فهمی صحیح و اصولی پیدا کرد...

۳. بیانات مقام معظم رهبری؛ ۱۳۹۶/۰۳/۰۶.

۴. بیانات مقام معظم رهبری؛ ۱۳۹۶/۰۳/۱۷.

۳. اسناد بین‌المللی؛ مأمور مقابله با حرکت جریان

مقاومت

پس از آنکه نظام استکبار به سردمداری آمریکا طرح و راهبرد کلان خود را در منطقه غرب آسیا با شکستی تمام عیار مشاهده نمود و از طرفی با سرعت بالای حرکت جبهه مقاومت و آرمان‌های انقلاب اسلامی در دل کشورهای منطقه و جهان و هم‌چنین قدرت بازدارندگی بالای این جبهه در برابر تروریست‌های خودساخته و شکست‌مفتضحانه با سردمداری جمهوری اسلامی و شهید حاج قاسم سلیمانی روبه‌رو شد، به دنبال راه جایگزین برای جلوگیری از پیشرفت انقلاب اسلامی و محور مقاومت از طریق فشار بین‌المللی توسط نهادهای بین‌المللی و اسناد و کنوانسیون‌های آن‌ها افتاد.

از همین‌رو، با فریب مبارزه با تروریسم به تدوین اسناد بین‌المللی و طرح مسئله آن در فضای بین‌المللی پرداخت که می‌توان به کنوانسیون مریدا، پالمو و اسنادی همچون FATF و CFT اشاره کرد. گره زدن مسائلی همچون شفافیت مالی و مبادلات ارزی میان کشور ایران با دیگر کشورها با مسئله مبارزه با تأمین مالی تروریسم از دیگر دلایل تمرکز بر این اسناد و کنوانسیون‌ها بوده است.

با دقت به زمانبندی شروع این طرح توسط نهادهای بین‌المللی و وضعیت منطقه در خواهیم یافت که جبهه مقاومت در منسجم‌ترین وضعیت خود در طول تاریخ قرار داشته و به‌همین منظور امام خامنه‌ای (مدظله) می‌فرماید: « امروز یکی از حقایق، قدرت مقاومت است... امروز جبهه‌ی مقاومت در منسجم‌ترین وضعیت در چهل سال گذشته است؛ در منطقه و در مراکزی حتی فراتر از منطقه؛ این یک واقعیت است. نقطه‌ی مقابل، قدرت استکباری است؛ قدرت استکباری آمریکا، قدرت فتنه‌انگیزی و خباثت رژیم صهیونیستی، از چهل سال پیش به این طرف بمراتب تنزل کرده‌اند و پایین رفته‌اند.»^۵

با بررسی متن سند FATF و براساس تعریف آن ذیل بند ۸ اقدام خود، در خواهیم یافت که گروه‌های مقاومت نیز به عنوان تروریسم تلقی شده که این امر با اصلاح قانون مبارزه تأمین مالی تروریسم و تعریف تروریسم در قانون کشور انجام خواهد شد.

از طرفی شواهد مذکور ارتباط تنگاتنگی میان آمریکا با FATF را نشان می‌دهد. مقامات آمریکایی مکرراً و به‌صراحت به همکاری خود با FATF تأکید می‌کنند. دیوید کوهن معاون وقت وزیر خزانه‌داری آمریکا در امور مبارزه با تروریسم و جرایم مالی در سال ۲۰۱۰ اعلام

کرد: «ما مبارزه با تأمین مالی تروریسم را از طریق همکاری نزدیک با FATF انجام می‌دهیم». همچنین زاراته، معاون مدیریت مبارزه با تروریسم و جرایم مالی در وزارت خزانه‌داری آمریکا نیز، FATF را شرط ضروری برای سخت‌تر کردن شرایط ایران و در تنگنا قرار دادن کشورمان می‌داند. مارشال بیلینگزلی رئیس آمریکایی FATF نیز معتقد است که برای حفظ فشارها به ایران و جلوگیری از دور زدن تحریم‌های آمریکا توسط این کشور به‌خصوص سپاه، ضرورت دارد ایران قوانینی درباره مقابله با تأمین مالی تروریسم و پول‌شویی تصویب و اجرایی کند. بدین ترتیب مشخص خواهد شد که اسناد بین‌المللی ذیل عناوین مبارزه با فساد و تأمین مالی تروریسم به‌دنبال مأموریت مقابله با حرکت جریان مقاومت به نیابت آمریکا هستند.

۴. شهید سلیمانی در مسیر افق‌نمایی انقلاب اسلامی و مراحل آن

شهید سردار سپهد قاسم سلیمانی همواره بر مدار ولایت قرار داشت و هیچ‌گاه از مسیر حرکت انقلاب اسلامی خارج نشد. یقیناً بررسی ابعاد سیره زندگی شهید از ابتدای مبارزات انقلابی تاکنون ما را به تطابق حرکت ایشان مبتنی بر وضعیت زمانی انقلاب اسلامی خواهد رساند.

از همین‌رو در ابتدا، فهم مسیر افق‌نمایی انقلاب اسلامی و سپس بررسی اقدامات و فعالیت‌های این شهید بزرگوار مبتنی بر مراحل آن می‌تواند ما را در شناخت سیره آن شهید گرانقدر ارتقا دهد.

با نگاه به مفاهیم محوری انقلاب اسلامی و تحلیل دقیق آن‌ها درمی‌یابیم که پایه اصلی برنامه‌ریزی انقلاب اسلامی مفهوم «نظام‌سازی اسلامی» است. به عبارت دقیق‌تر مقصد نهایی مراحل انقلاب اسلامی بسط و پیاده‌سازی «نظام‌سازی اسلامی» است. در این صورت برای تحقق اهداف و شاخص‌های هویت اسلامی باید زمینه و شرایط نظام‌سازی را مورد بررسی و دقت قرار داد.

از دیدگاه امام خامنه‌ای (مدظله) بعنوان سکا‌ندار حرکت انقلاب اسلامی، «نظام‌سازی اسلامی» در پنج مرحله محقق خواهد شد. این

مراحل طبق آنچه رهبر معظم انقلاب اسلامی بیان می‌فرمایند، به ترتیب عبارتند از: ۱- مرحله‌ی انقلاب اسلامی ۲- مرحله‌ی نظام اسلامی ۳- مرحله‌ی دولت اسلامی ۴- مرحله‌ی جامعه‌ی اسلامی ۵- مرحله‌ی تمدن اسلامی.

از سوی دیگر با عنایت بر سیره زندگی درخواهیم یافت که مسیر فعالیت‌های ایشان در انقلاب اسلامی همواره منطبق بر افق‌نمایی انقلاب اسلامی بوده است. لذا بررسی و تبیین مطالعه تطبیقی سیره زندگی ایشان با مراحل انقلاب اسلامی ما را به فهم دقیق ایشان از چگونگی انتخاب عملکرد خود در مسیر انقلاب اسلامی خواهد رساند. به همین منظور می‌بایست در محورهای زیر به ابعاد اقدامات ایشان در انقلاب اسلامی پرداخت:

۱. مرحله انقلاب اسلامی؛ فعالیت‌های شهید در ایام پیش از انقلاب تا پیروزی آن

۲. مرحله نظام اسلامی؛ بررسی فعالیت‌ها، ابتکارات و طراحی‌های شهید در دوران دفاع مقدس:

ایشان با پیشنهاد شفاهی سردار شهید حسن باقری، تیپ جدیدی از نیروهای کرمان را تشکیل داد که اندکی بعد در زمستان سال ۶۱ به لشکر ۴۱ ثارالله ارتقا یافت و شامل نیروهایی از کرمان، سیستان و بلوچستان و هرمزگان می‌شد.

وی در طول دوران دفاع مقدس، با لشکر تحت امر خود در عملیات‌های زیادی از جمله، والفجر ۸، کربلای ۴، کربلای ۵ و تک شلم‌چهار حضور مؤثر داشت.

دفاع مقدس و مجاهدت رزمندگان اسلام به تمامی جهان ثابت کرد که انقلاب اسلامی با وجود تمامی فشارها و تحریم‌های همه‌جانبه علیه خود، توانست حاکمیت و نظام اسلامی خود را با قوت و طراحي براساس مفاهیم اسلام ناب پابرجا نگه دارد.

۳. مرحله دولت اسلامی؛ اقدامات و دیدگاه ایشان از ابتدای امامت اجتماعی آیت‌الله خامنه‌ای تاکنون:

ایشان به واسطه حضور در مرزهای شرقی و سابقه مبارزه با اشرا و باندهای مواد مخدر در مرزهای ایران و افغانستان، در سال ۱۳۷۶ از

سوی حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، فرماندهی کل قوا از کرمان به تهران فراخوانده و مسئولیت نیروی قدس سپاه به او سپرده شد.

از جمله نقاط درخشان فرماندهی ایشان در نیروی قدس، تقویت حزب‌الله لبنان و گروه‌های مبارز فلسطینی بود که نمود عینی آن را در نبردهای متعددی از جمله جنگ ۳۳ روزه حزب‌الله لبنان و رژیم صهیونیستی و پیروزی مبارزان فلسطینی در جنگ ۲۲ روزه غزه علیه ارتش مجهز اسرائیل دیدیم. در ایشان توانسته بود استراتژی جمهوری اسلامی یعنی کمک به گروه‌های مبارز علیه اسرائیل را به خوبی دنبال کرده و هر روز در این مسیر گام‌های دیگری بردارد.

با شکل‌گیری گروهک‌های تروریستی تکفیری اعم از داعش و جبهه‌النصره در منطقه، ایشان مأموریتی تازه یافت و آن مقابله با این تهدیدات در دو کشور عراق و سوریه بود. شهید سردار سپهد سلیمانی در عراق «حشد الشعبی» و در سوریه «بسیج مردمی» (قوات دفاع وطنی) را شکل داد و با کمک آنها و هدایت و مشاوره نیروی قدس سپاه، طی ۶ سال، بساط تروریست‌ها در این دو کشور تقریباً جمع شد.

نقش بی‌بدیل ایشان در مدیریت منطقه و مقابله با دشمنان و همچنین آغاز مسیر تحقق جهانی شدن آرمان‌ها و اهداف انقلاب اسلامی با

محوریت جبهه مقاومت در راستای مرحله دولت اسلامی و در ابتدای ایجاد جامعه اسلامی هرگز فراموش نخواهد شد.

۵. توانمندی صدور و تحقق اهداف و آرمان‌های انقلاب

اسلامی در جهان؛ کارویژه شهید سلیمانی

به جرأت می‌توان شهید سردار سپهبد قاسم سلیمانی را اصلی‌ترین عنصر شکست استراتژیک آمریکا در منطقه و پیروزی معجزه‌آور جمهوری اسلامی معرفی کرد. همانطور که امام خامنه‌ای در این باره می‌فرمایند:

«آمریکایی‌ها در این منطقه - که خودشان می‌گویند «خاورمیانه» ما می‌گوییم «غرب آسیا»- نقشه داشتند، کارهایی می‌خواستند بکنند و نتوانستند. ما آنجا برنامه داشتیم، نقشه داشتیم، کارهایی را می‌خواستیم بکنیم و توانستیم... همه‌ی دنیا امروز می‌داند که آمریکا در سوریه شکست خورد، در عراق شکست خورد.»^۶

«بخش مهم و قابل توجهی از شکست طرح بی‌ثبات سازی منطقه و ایجاد جنگ و آشوب، عملاً با نابودی جریان داعش توسط مقاومت اسلامی و با فرماندهی میدانی حاج قاسم سلیمانی عملی شد.»^۷

آنچه به عنوان کارآمدی اصلی شهید سلیمانی می‌توان در نظر گرفت نه صرفاً بازدارندگی نظامی در برابر آمریکا بلکه گسترش و نهادینه کردن

۲۲/۱۲/۱۳۹۷.۶

۳۰/۰۸/۱۳۹۶.۷

تفکر مقاومت در گروه‌های مبارز علیه نظام استکبار بوده است. تفکر مقاومت و تشکیل جبهه مقاومت ذیل پرچم اسلام، اصلی‌ترین گرایش در میان مردم منطقه است که توانسته آرمان‌ها و اهداف انقلاب اسلامی را در بافت فرهنگی جبهه مقاومت نهادینه کند و شاخص‌های آن را مبتنی بر زیست‌بوم هر کشور پیاده نماید. این در حالی است که همه‌ی توان استکبار جهانی برای ارائه راه‌حل‌های جایگزین به کار گرفته شده است.

سردار دل‌ها در طول مجاهدت خود توانست ثابت کند که اهداف و آرمان‌های انقلاب اسلامی قابلیت تحقق فراتر از مرزهای جمهوری اسلامی را داراست و موجب رشد و پایداری نظام انقلاب اسلامی می‌شود.

یکی از مهم‌ترین عوامل استمرار انقلاب اسلامی که همواره منجر به رشد و پایداری آن شده، وجود آرمان‌ها و شاخص‌های انقلاب است. اگر یک کشور در شرایط درگیری و دشمنی، توان حفظ خود و رشد را نداشته باشد، در برابر مشکلات تسلیم شده و شکست خواهد خورد.

علت رشد در شرایط فشار - که جمهوری اسلامی از آن برخوردار بوده است - همین موضوع است. با توجه به استقامت و تکامل جمهوری اسلامی در سال‌های پس از انقلاب، مؤثرترین عامل بقای نظام اسلامی،

همان آرمان‌ها و شاخص‌های انقلاب است که طرح آن‌ها در شرایط فعلی، درخشندگی و تالائو خاصی می‌یابد و علی‌رغم همه مخالفت‌ها، انگیزه حرکت را در دل‌ها زنده نگه می‌دارد.

به‌عنوان مثال در طول سال‌های پس از انقلاب، آرمان عدالت اسلامی، درخشندگی خود را حفظ کرده و -علی‌رغم طرح همه شعارهای موازی- هم‌اکنون به‌عنوان اصلی‌ترین شعارهای مردم و مسئولان مطرح است.

در بُعد منطقه‌ای نیز تشکیل جبهه مقاومت توسط شهید سردار سپهد قاسم سلیمانی به‌عنوان علمدار انقلاب اسلامی در راستای اثبات توانمندی گسترش و تحقق آرمان‌ها و شاخص‌های انقلاب اسلامی نقش محوری را در منطقه ایفا می‌نمود و در غایت مجاهدات خود فارغ از مبارزه نظامی، به‌دنبال این مهم بوده است.

حال با عنایت بر وضعیت منطقه و شکست ایدئولوژیکی نظام سلطه با سردمداری آمریکا و گسترش تفکر مقاومت در گروه‌ها و کشورهای عدالت‌خواه و مظلوم برای مبارزه با جبهه کفر، به نقش و اثرگذاری عظیم ایشان در اثبات و تحقق توانمندی جهانی شدن آرمان‌های انقلاب اسلامی و شکست آمریکای مستکبر را در خواهیم یافت که این موضوع به تعبیر امام خامنه‌ای یکی از معجزات انقلاب است:

«این واقعاً یکی از معجزات انقلاب است. در منطقه، جمهوری اسلامی -همین شما- توانستید آمریکای مستکبر را به زانو دریاورید و شکست بدهید. تمام تلاش‌هایی که می‌کردند و نقشه‌هایی که کشیده بودند برای این بود که این منطقه را از تفکر انقلابی و اسلامی دور کنند؛ هدف همه‌ی این‌ها در واقع همین بود که این تفکر انقلابی را، تفکر مقاومت را که گسترش پیدا کرده در منطقه، این تفکر را از بین ببرند و دفن کنند، ولی بعکس شد!... این چند توطئه‌ی پی‌درپی که در این منطقه، آمریکا و صهیونیسم و ارتجاع عرب و دیگران به وجود آورده بودند، همه با اقتدار جمهوری اسلامی نابود شد، از بین رفت.»^۸

۸. بیانات مقام معظم رهبری؛ ۱۳۹۶/۰۹/۰۱.

۶. غایت مدل های اجتماعی جریان توسعه گرا؛ تهی سازی جامعه از انسان های در تراز شهید قاسم سلیمانی

قاسم سلیمانی؛ نامی است که اکنون نه به عنوان یک سردار فاتح نظامی بلکه به عنوان یک نماد ملی-مذهبی است که بر قله های رفیع انسانی ایستاده و با شهادت خود مهری بر تمام مجاهدت های مخلصانه خود در تمام عمر بابرکتش زد. بی شک شهید قاسم سلیمانی برای تمامی نسل های این سرزمین الگویی خواهد بود که مادران و پدران این جامعه آرزوی تربیت فرزندى همچون او را در سر می پروراندند.

حال سؤال این است؛ با کدامین دیدگاه و مدل اجتماعی می توان قاسم سلیمانی هایی برای این مرز و بوم تربیت کرد؟ آیا سازوکار فعلی موجود در جهان و مدل های متکی بر مفاهیم توسعه موجود در کشور که براساس آن نظام آموزشی موجود شکل گرفته است، توان تحقق این مهم را داراست؟

در طول تاریخ انقلاب اسلامی همواره جریان متشکل از روشنفکران و غرب باوران در لایه نخبگانی و هم چنین تصمیم گیران نظام جهت پیشبرد نظام جمهوری اسلامی حضور داشتند و تنها راه پیشرفت و

آبادانی را التزام به مفاهیم تمدن مدرن و برنامه‌ریزی مبتنی بر شاخص‌های توسعه غرب می‌دانند. می‌توان نام این جریان که بروز و ظهور سیاسی، فرهنگی و اقتصادی در دوران انقلاب اسلامی - هم‌چنین در زمان فعلی - را دارا بوده‌اند، جریان توسعه‌گرا نامید.

پرسش محوری در بررسی این جریان این است؛ آیا از مدل جریان توسعه‌گرا در پیشبرد اهداف انقلاب اسلامی، می‌توان انتظار تربیت قاسم سلیمانی‌ها را داشت؟ برای پاسخ به این سؤال لازم است در ابتدا مبنا و دال اصلی تفکر این جریان مورد بررسی قرار گیرد.

جریان توسعه‌گرا دارای ۳ اصل به عنوان محور تفکر خود می‌باشد:

۱. لزوم پذیرش مفاهیم تمدن مدرن
۲. رسیدن به تمدن مدرن و حرکت جوامع به سمت مدرنیته و در نتیجه سعادت و رفاه
۳. تغییر فرهنگ فعلی جوامع به محوریت مفاهیم مدرن است؛ زیرا اصلی‌ترین مانع پیاده‌سازی مفاهیم مدرن، وجود فرهنگ فعلی جوامع است.

به عنوان مثال جریان توسعه گرا در مورد حکم تشکیل خانواده رأی به ایجاد خانواده حداقلی از طریق جاری شدن صیغه محرمیت بین زن و مرد داده و مابقی احکام خانواده از جمله رفق حبّ، تربیت نسل، آموزش‌های مورد نیاز، کنترل جریان ارتزاق، بسط مفاهیمی چون قناعت و ... را به علت تعارض با ساختارهای مدرن اجرانشدنی می‌پندارد.

در ساختارهای تمدن مدرن زن به عنوان نیروی کار آموزش‌هایی را دریافت و مهارت‌هایی را نیز کسب کرده است و در نتیجه زمانی را برای تربیت فرزند و حضور در خانه نداشته و لاجرم نیاز به گسترش مهدهای کودک و نظام آموزشی نوین است.

نکته دیگر آنکه جریان توسعه گرا در ایران با مانع بزرگی به نام فرهنگ و هویت بومی و اسلامی روبه‌روست که ریشه در افراد جامعه دارد. به همین خاطر براساس اصل سوم خود لاجرم می‌بایست به تغییر فرهنگ اصیل و ارزش‌های مردم روی آورد.

توجه و دقت بر تفکر جریان توسعه گرا مشخص می‌سازد که عملکرد این جریان در مدل‌های موضوعاتی همچون معیشت، روابط بین‌الملل، قانون‌گذاری و از همه مهمتر نظام آموزشی و تربیتی هیچ‌گاه نمی‌تواند

افراد جامعه را در سطح انسان‌های انقلابی همچون شهید سردار سپهبد قاسم سلیمانی تربیت کند.

به عبارت دقیق‌تر از انسان‌های بزرگی همچون قاسم سلیمانی تربیت یافته شاخص‌هایی برگرفته از تفکر اسلام ناب محمدی می‌باشند و دستیابی به چنین مقام بلندمرتبه‌ای حاصل مجاهدت در مسیر چنین تفکری است.

وجود تفکر جریان توسعه‌گرا، بی‌شک مسیر حرکت انقلاب اسلامی را با ناکارآمدی مواجه می‌سازد و طرح تهی‌سازی جامعه از قاسم سلیمانی‌ها را به ثمر خواهد نشاند.

یکی از اهداف اصلی شهید سردار سپهبد قاسم سلیمانی، بیرون راندن آمریکا از کشورهای اسلامی و حفظ استقلال و هویت آن‌ها در برابر هر متجاوز بود. لذا می‌توان جریان توسعه‌گرا را ترجمه نسخه غربی نظام طاغوت به سرکردگی آمریکا دانست که به دنبال تغییر ارزش‌های هر کشور و زیرپا گذاشتن استقلال هویتی آن‌ها دانست. تحقق هدف اصلی انقلاب اسلامی و شهید سلیمانی زمانی محقق می‌شود که پای آمریکا و تفکرات آن، چه از لحاظ نظامی و چه از لحاظ فکری و فرهنگی از کشورهای منطقه بیرون رانده شود.

موضوعات پیشنهادی برای مطالعه بیشتر :

- نقش سپاه قدس در پیش بردگی انقلاب اسلامی و نقش حاج قاسم در ارتقا سپاه قدس .
- تحلیل دفاع مقدس در منظومه فکری انقلاب اسلامی و جایگاه تربیت حاج قاسم در دفاع مقدس .
- نقش حاج قاسم در پیوند میان دفاع مقدس انقلاب اسلامی با الگوی مقاومت در منطقه .